

مجادلات کلامی و مخاصمات دینی یهود در دوره پیامبر (ص)

حسین خسروی^۱

سهراب اسلامی^۲

چکیده

پس از شکل‌گیری حکومت اسلامی در مدینه گروه‌های متعددی در برابر پیامبر (ص) صف‌آرایی نمودند که از جلوه‌های بارز آن قوم یهود ساکن در مدینه و حوالی مدینه بودند. یهودیان از جمله اقوامی بودند که به تصریح قرآن کریم به جهت اطلاع از پیامبر موعود در مدینه ساکن شدند؛ اما به علت دشمنی با پیامبر (ص) و لجاجت در پذیرفتن حق و حقیقت اساس دین خود را فراموش کرده و در صدد مقابله با پیامبر (ص) و گسترش اسلام برآمدند. دنیا دوستی یهود موجب شد تا آنها علاوه بر اقدامات نظامی علیه اسلام و پیامبر (ص)، به توطئه‌ها و دسیسه‌های فرهنگی نیز اقدام کنند و با طرح مسائلی کلامی و دینی مانع از تبلیغ و گسترش اسلام شوند. در قرآن کریم به انواع مجادلات کلامی یهود در دوره پیامبر (ص) و سؤالات آنها در زمینه‌های دینی از قبیل نبوت پیامبر (ص)، شأن حضرت ابراهیم (ع)، تغییر قبیله و ... اشاره شده و به هر کدام پاسخی درخور داده شد تا باعث عبرت افراد حقیقت‌جو باشد. هدف آنها از این مجادلات کلامی نشان دادن عجز پیامبر (ص) از مبارزه با استدلال‌های آنها و اثبات براهین خود بود تا در مسلمانان نسبت به صداقت گفته‌های پیامبر (ص) تردید ایجاد کنند و از دین اسلام بازگردند.

بررسی انواع مجادلات کلامی و اعتقادی یهودیان برای مقابله با پیامبر (ص) و مسلمانان موضوع این نوشتار است که با استناد به آیات قرآن، کتب تفاسیر و منابع تاریخی و به شیوه توصیفی تحلیلی و روش کتابخانه‌ای بدان پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی

پیامبر (ص)، یهود مدینه، مخاصمات دینی، مجادلات کلامی

1. Email:H.Khosravi88@yahoo.com

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد واحد خمین

2. Email:Sohrabeslami2014@yahoo.com

۲. مدرس گروه معارف دانشگاه آزاد واحد خمین

پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۲۰

طرح مسأله

در سرزمین حجاز قبیله‌هایی از قوم یهود زندگی می‌کردند که روح حاکم بر آنها، نژاد و قومیت بود. موطن و مسکن اصلی یهودیان شهر مدینه بود که سه قبیله یهودی: بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه در آنجا ساکن بوده و جزو سکنه اصلی آن به حساب می‌آمدند. یهودیان یکی از جریان‌های اصلی نظامی - اعتقادی مدینه به حساب می‌آمدند و به واسطه فراوانی ثروت در منطقه از چیرگی و نفوذ فوق‌العاده‌ای بهره‌مند بودند. محققان یکی از علل حضور و مهاجرت این قوم را به سرزمین حجاز مسأله انتظار منجی موعود و پیامبری دانسته‌اند که عهدین به نام و ویژگی‌هایش اشاره کرده بودند. در قرآن کریم نیز آمده که یهودیان و مسیحیان پیامبر اسلام (ص) را می‌شناختند.

پیامبر اکرم (ص) در سال چهاردهم بعثت به شهر مدینه هجرت کردند و به جهت تأمین امنیت داخلی شهر، پیمان‌نامه‌ای را با یهودیان منعقد ساخت؛ اما هنوز دیرزمانی از پرتو پرفروغ اسلام بر شهر مدینه نگذشته بود که یهود علم مخالفت و مبارزه با مسلمانان را برافراشت و عزم خویش را برای نابودی آیین نوپای اسلام جزم نمود. منابع تاریخی حاکی از آن است که یهودیان از همان ابتدا با پیامبر (ص) از در خصومت و دشمنی وارد شدند و با توجه به اعتقادات خود به مخالفت جدی با پیامبر اسلام (ص) پرداختند. حتی گفته شده پیش از هجرت حضرت رسول (ص) به مدینه، یهودیان با مشرکان مکه در ارتباط بوده و با آنها برای مقابله با پیامبر (ص) مشارکت داشتند.

در عمده منابع تاریخ اسلام و مغازی و سیره‌ها که به زندگانی رسول الله (ص) اشاره دارند، تقابل بین یهودیان و پیامبر (ص) بیان شده است، اما این منابع چالش بین دو گروه را تنها در قالب جنگ‌های نظامی بیان داشته‌اند و بیشتر به ابعاد نظامی آن پرداخته‌اند. در حالی که یهودیان در زمینه اعتقادی و کلامی هم مشکلاتی برای پیامبر (ص) و مسلمانان ایجاد کردند و حتی می‌توان گفت اولین روشی که یهودیان برای مقابله با پیامبر (ص) و ایجاد فتنه در بین صفوف مسلمانان پی گرفتند مجادلات دینی و مخاصمت‌های کلامی بود که این شیوه یکی از راه‌های یهودیان برای مجادله و پذیرفتن حق و حقیقت بود. این مجادلات به جهت انگیزه‌هایی بود که یهودیان دنبال می‌

کردند و برای رسیدن به حقیقت نبود. از دیدگاه قرآن کریم یهودیان همواره با پیامبر(ص) از سر عناد و لجاجت رفتار می کردند و در پی از بین بردن اساس دین اسلام بودند. به همین جهت مخالفت های آنان با اسلام شروع شد و احبار و دانشمندان آنان به ویژه حی بن اخطب با سؤال های خود تشکیک های بسیاری را در عقاید مسلمانان ایجاد کردند تا آنان را از اسلام بازدارند؛ اما رسول خدا(ص) به وسیله وحی پاسخ آنها را می دادند. رسول خدا(ص) در برابر یهودیان رواداری مذهبی و قدرت تحمل بسیار بالایی از خود نشان دادند و برای گفتگو با آنان به مدرس تعلیم کتاب های یهودیان رفت و آمد داشتند.

مجادلات کلامی و مخاصمات دینی یهود در دوره پیامبر (ص)

بعضی از اموری که یهودیان در دوره پیامبر (ص) درباره آنها به مجادله پرداختند و سعی داشتند از طریق آن جلوی تبلیغ اسلام و گسترش آن را بگیرند، عبارت بودند از:

۱. مجادله یهودیان در نبوت و رسالت پیامبر (ص)

اولین اقدام کلامی و دینی یهودیان در برخورد و مقابله با پیامبر (ص) ایجاد شک و تردید در نبوت پیامبر (ص) و گفته های ایشان بود که در این زمینه به روش های گوناگون عمل کردند از جمله:

الف: این که محمد (ص) همان پیامبر موعود عهدین نمی باشد. یهودیان این شبهه را زمانی بیان کردند که بر طبق نقل قرآن کریم خود و فرزندانشان صدق رسالت و گفته های پیامبر (ص) را دریافت کرده بودند. (بقره/ ۸۹) ابن عباس نیز در این باره بیان می دارد: یهودیان پیش از بعثت پیامبر (ص) و به هنگام درگیری با قبایل اوس و خزرج آنها را به پیامبر موعود انداز می دادند؛ اما هنگامی که خداوند پیامبر را از عرب ها برگزید یهودیان کفر ورزیدند و سخنانی را درباره ایشان به زبان آوردند تا جایی که معاذ بن جبل و بشر بن براء به آنها گفتند: ای قوم یهود از خدا بترسید و اسلام آورید و او را به همان صفاتی که دارد برای ما توصیف کنید؛ اما سلام بن مشکم از یهودیان بنی نضیر گفت: ما اطلاع زیادی از او نداریم و او غیر از آن چه که بیان شد، نیست. به همین جهت خداوند این آیه کریمه را نازل فرمودند(ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱/ ۱۲۴؛ ابن قتیبه، بی تا: ۱/ ۵۶؛ ثعالبی، ۱۴۱۸: ۱/ ۲۷۹).

ب: یهودیان خود را محافظ قوانین الهی به مردم معرفی می کردند و این که علت

عدم ایمان آنها به محمد به خاطر حسادت نسبت به او نیست بلکه آنها به این خاطر به محمد (ص) ایمان نمی آورند که پیامبر (ص) معجزاتی همانند پیامبران پیشین ندارد و به همین دلیل از ایمان آوردن به ایشان معذورند و وی به گمان آنها پیامبری صادق نیست (ذکاوتی قراگزلو، ۱۳۸۳: ۷۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱/۳۵۶-۳۵۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۱/۷۱۷).

قرآن کریم به این شبهه یهودیان اشاره می کند و پاسخ آنها را در سوره آل عمران این گونه می دهد: اینها همان کسانی هستند که گفتند: «خداوند از ما پیمان گرفته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا این معجزه را انجام دهد: قربانی بیاورد، که آتش (صاعقه آسمانی) آن را بخورد!» بگو: «پیامبرانی پیش از من، برای شما آمدند؛ و دلایل روشن و آنچه را گفتید آوردند؛ پس چرا آنها را به قتل رساندید اگر راست می گوید؟» (آل عمران/۱۸۳).

فخر رازی در تفسیر این آیه می نویسد: «خداوند با این دلایل مشخص ساخت که درخواست معجزه از پیامبر (ص) توسط یهودیان به جهت هدایت و راهنمایی نبود بلکه آنها می خواستند با این کار پیامبر را به زحمت بیندازند و ایشان را به سختی بیندازند. اسلاف یهودیان همین گونه معجزات را از پیامبران پیشین مانند زکریا، یحیی و عیسی (ع) درخواست نمودند و هنگامی که معجزه برای یهودیان آشکار شد، پس از تکذیب و مخالفت و دشمنی تصمیم به کشتن پیامبران گرفتند. این امر به خوبی نشان می دهد که درخواست های یهودیان در طول تاریخ فقط به خاطر ایجاد مشکل برای پیامبران بوده است» (فخر رازی، تفسیر، ج ۹، ص ۱۲۲؛ طوسی، بی تا: ۳/۶۷-۶۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱/۴۰۵).

بدین گونه آیه کریمه ادعاهای آنها را باطل ساخت و کذب سخنان آنها را ثابت کرد و صدق گفته های پیامبر (ص) تأیید نمود.

ج: یهودیان درخواست های سختی از پیامبر (ص) داشتند تا ایشان را به چالش بکشند تا به زعم خود پیامبر (ص) از انجام درخواست های آنها عاجز بماند. آنها در بین مردم شایع می کردند که پیامبر (ص) از بر آوردن درخواست های آنها عاجز است و به این شیوه سعی می کردند مردم را از اسلام بازدارند. ابن عباس نقل می کند که: رافع بن حریمله یهودی

به پیامبر (ص) گفت: ای محمد اگر راست می‌گویی که فرستاده و رسول خدایی، پس به خداوند بگو با ما سخن بگوید تا کلامش را بشنویم. (طبری، ۱۴۱۲: ۱/۴۰۷؛ عاملی، ۱۳۶۰: ج ۱/۱۶۵؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۱/۲۶۹). پس خداوند در پاسخ به آنها این آیه کریمه را نازل فرمود: «افراد نادان گفتند چرا خدا با ما سخن نمی‌گوید یا برای ما معجزه‌ای نمی‌آید کسانی که پیش از اینان بودند نیز مثل همین گفته ایشان را می‌گفتند دلها و افکارشان به هم می‌ماند ما نشانه‌های خود را برای گروهی که یقین دارند نیک روشن گردانیده‌ایم» (بقره/ ۱۱۸).

د: از دیگر روش‌های یهودیان برای مقابله با نبوت پیامبر (ص) این بود که می‌گفتند قرآن کریم از جانب خداوند بر محمد نازل نشده است. ابن عباس بیان می‌کند که «ابن صوری فطیونی از یهودیان روزی به پیامبر (ص) گفت: ای محمد برای ما چیزی نیاوردی که آن را بشناسیم چرا که خداوند آیه بینه‌ای بر تو نازل نکرده تا بدان تو را پیروی کنیم» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱/۳۶۶؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۱/۱۶۷؛ ایاری، ۱۴۰۵: ۹/۱۰۳).

مقصود آنها از عبارات فوق این بود که به طعن بگویند قرآن کریم معجزه رسول اکرم (ص) نیست. پس خداوند در پاسخ به آنها این گونه پاسخ داد: «و همانا بر تو آیاتی روشن فرو فرستادیم و جز فاسقان [کسی] آنها را انکار نمی‌کند» (بقره/ ۹۹).

بر طبق این آیه یهودیان به فسق متهم شده‌اند و فاسق یعنی کسی که در راه کفر و معصیت قدم بردارد چرا که فاسق از فطرت حق طلب که همان حق و درستی است به سوی باطل و فساد خارج شده است. مسأله قرآن کریم و نزول آن نیز از جمله اموری است که جز افراد منحرف از فطرت و مخالف عقل و شرع، همگان آن را قبول دارند؛ بنابراین یهودیان به جهت پذیرفتن وحی قرآن، فاسق‌اند (طنطاوی، ۱۴۲۰: ۱۵۶).

روزی دیگر عدّه‌ای از یهودیان نزد رسول خدا(ص) رفتند و گفتند: اگر تو پیامبری، برای ما از آسمان کتابی بیاور که ما آن را بخوانیم و گرنه ما هم مانند تو قرآنی را که آورده‌ای، خواهیم آورد (ابن هشام، بی تا: ۱/۵۷۰).

پیامبر(ص) پاسخ آنان را از قرآن کریم این گونه پاسخ دادند: «بگو اگر جنّ و انس متفق شوند که مانند قرآن را بیاورند هرگز نتوانند اگر چه همه پشتیبان هم باشند (اسراء/

۸۸). به سبب ناتوانی برخی از یهودیان مانند حی بن اخطب در برابر پاسخ‌های رسول خدا(ص) از قرآن، عبدالله بن سلّام آیین اسلام را پذیرفت (ابن هشام، بی تا: ۱/ ۵۷۱).
ذ: از جمله روش‌های ناپسندی که یهودیان برای طعنه زدن به نبوت پیامبر (ص) در پیش گرفتند این بود که نزول وحی از آسمان را بر ایشان انکار کردند. هدف آنها از این کار این بود که بگویند آن چه محمد (ص) بر زبان می‌آورد از سوی خدا نیست بلکه از خود می‌گوید.

نیشابوری می‌نویسد: «محمد بن کعب قرظی می‌گوید: خداوند به حضرت محمد (ص) دستور داد از اهل کتاب درباره امرش و این که او را چگونه در کتاب‌های خود یافته‌اند، سؤال پرسد. پس آنها به محمد (ص) حسادت ورزیدند و به قرآن کریم و رسولش کفر ورزیدند و گفتند: خداوند بر هیچ انسانی چیزی نازل نکرده است» (نیشابوری، اسباب النزول، ج ۲۵).

ه: یهودیان با هدف مشغول نگه داشتن ذهن پیامبر(ص) و غافل‌گیری آن حضرت سؤالاتی مطرح می‌کردند که به زعم خودشان آن حضرت نتواند به آنها پاسخ دهد و بدین سان حضرت را در تنگنا قرار دهند و ذهن مبارکش را مشغول دارند. از این رو از میعادگاه قیامت سؤال پرسیدند. خداوند در پاسخ به آنان می‌فرماید: ای پیامبر بگو علم آن تنها نزد پروردگار من است، جز او هیچ کس آن را به موقع خود آشکار نمی‌سازد. (اعراف/ ۱۸۷).
ی: یکی دیگر از مجادلات کلامی یهود درباره خداوند بود. آنها از حضرت پرسیدند: ای محمد! این خداست که مخلوقات را آفریده، خدا را چه کسی خلق کرده است؟ پیامبر(ص) از چنین سوالی برآشفته؛ اما خداوند در پاسخ آیات ۱-۴ سوره توحید را بیان فرمودند. این در حالی بود که عالمان یهود بر اساس تورات می‌دانستند خداوند چگونه است.

موارد فوق بعضی از روش‌های کلامی و جدلی بود که یهودیان برای طعن به نبوت پیامبر (ص) در پیش گرفتند که همه آنها با شکست مواجه شد چرا که قرآن کریم به این مجادلات کلامی اهتمام نشان داد و اتهامات و تکذیب‌های یهودیان را دنبال کرد و برای هر کدام جوابی درخور داد و صدق پیامبر (ص) را ثابت نمود (طنطاوی، ۱۴۲۰: ۱۵۸).

۲. مجادله یهودیان با پیامبر (ص) درباره شأن حضرت ابراهیم (ع)

آیین حضرت ابراهیم (ع) و پیروی پیامبر (ص) از ایشان و دعوت مردم به مذهب او موضوع آیات متعددی در قرآن کریم بوده است. در دوره مکی یعنی سیزده سال اول تبلیغ اسلام، آیات نازل شده بیان می‌دارند که ابراهیم (ع) موحد و یکتاپرست بوده و از گروه مشرکان نبودند. از جمله در سوره نحل در دو آیه به این موضوع اشاره شده است ((نحل / ۱۲۰ و ۱۲۳).

هنگامی که پیامبر (ص) به مدینه مهاجرت کردند آیات متعددی نازل شد که در آنها نیز بیان شده ابراهیم (ع) حنیف و مسلمان بوده و از مشرکان نبودند و آن چه اهل کتاب درباره حضرت ابراهیم (ع) ادعا می‌کنند و او را از خود می‌پندارند قول باطل و گمان فاسدی است. در سوره آل عمران چهار آیه به احتجاج پیامبر (ص) با اهل کتاب درباره حضرت ابراهیم اشاره کرده است (آل عمران / آیات ۶۵-۶۹).

ابن عباس نقل می‌کند که مسیحیان نجران و احبار یهود گرد پیامبر (ص) جمع شده و درباره حضرت ابراهیم (ع) به منازعه پرداختند. احبار یهود می‌گفتند: ابراهیم یهودی است و مسیحیان ایشان را از خود می‌دانستند. پس خداوند آیه ای بدین مضمون نازل فرمودند: «ای اهل کتاب چرا درباره ابراهیم به احتجاج می‌پردازید» (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱ / ۳۷۲؛ بغدادی، ۱۴۱۵: ۱ / ۲۵۶؛ شاذلی، ۱۴۱۲: ۱ / ۴۱۱).

ابن هشام بیان می‌کند رسول خدا(ص) که جایگاه والایی برای موسی (ع) و کتاب وی قائل بود، فرمودند تورات را حاضر کنید، هر چه در آن بود از آن پیروی می‌کنیم؛ اما یهودیان از آوردن تورات خودداری کردند. (همو، بی تا: ۱ / ۵۵۲).

معنای آیات سوره آل عمران بیانگر آن است که خداوند اهل کتاب را در ابتدا به خاطر امری بدیهی سرزنش می‌کند چرا که حضرت ابراهیم (ع) پیش از حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) بوده، پس چگونه ممکن است ابراهیم (ع) به اهل کتاب منسوب باشد چرا که غیر ممکن است متقدم یک چیز تابع شیء متأخر باشد (آل عمران / ۶۵). سپس در آیه بعد آنها را به خاطر نداشتن لوازم عقول سلمیه سرزنش می‌کند، یعنی آنها درباره چیزی که بدان علم نداشتند، مجادله نمودند. پس بر آنها واجب بود از آن چه

خداوند بر پیامبر (ص) درباره حضرت ابراهیم (ع) وحی نموده بود پیروی کنند چرا که طبق آیه قرآن، خداوند با توجه به علم نامتناهی خود شرح حال ابراهیم (ع)، شأن و مذهبش را می‌دانست در حالی که اهل کتاب نسبت به آن بی‌علم بودند و عاقل کسی است که با استفاده از عقل خود از مجادله در امری که نسبت به آن علم ندارد، خودداری کند (آل عمران / ۶۶).

نکته مهم در آیه سوم آل عمران درباره حضرت ابراهیم (ع) این است که حضرت ابراهیم (ع) از هر آیینی که مخالف با وحدانیت خداوند باشد، مبرا بوده و از او صفت یهودی یا مسیحی نفی می‌شود و در این نفی شایسته نیست که چیزی درباره گمراهی و یا سلب مسئولیت به ابراهیم خلیل الله نسبت داده شود (آل عمران / ۶۷). در این آیه همچنین به صفاتی از حضرت ابراهیم (ع) اشاره شده که تمام این صفات با آنچه از تجسیم و انحراف از حق نزد اهل کتاب وجود داشت، منافات دارد. اولین صفت ایشان در آیه مذکور این است که او «حنیف»^۱ بوده یعنی از هر دین باطلی روی گردان بود و تنها به دین حق که همان اسلام است، تمایل داشته است. صفت دیگر این که «از گروه مشرکان نبودند»^۲ یعنی کسی نبودند که برای خداوند شریک قائل باشند.

آیه بعد به منظور حل و فصل اختلاف بیان شده و به صراحت و آشکارا بیان می‌دارد چه کسانی شایسته‌ترین افراد برای انتساب به حضرت ابراهیم (ع) هستند (آل عمران / ۶۸). از این آیه به دست می‌آید که منسوبین به حضرت ابراهیم (ع) سه گروه هستند: اول کسانی که از وی «تبعیت»^۳ کرده بودند، یعنی کسانی که در دوره حیات حضرت دعوتش را اجابت کرده و پس از وفاتش تعالیم او را تبعیت کرده اند و یهودیان اگر از انواع شرک به خداوند خودداری کرده باشند، باز هم نمی‌توانند از پیروان ایشان باشند چرا که آنها گمراهی را از هدایت بیشتر دوست داشته و کفر را به ایمان تبدیل کرده و به همین جهت از

۱. کان حنیفا.

۲. وما کان من المشرکین.

۳. للذین اتبعوه.

پیروان نیستند. دوم همین پیامبر اکرم (ص)^۱ بود که ایشان از نسل حضرت ابراهیم (ع) بود و به توحیدی دعوت می کرد که حضرت ابراهیم (ع) مردم را دعوت می کرد و آیه کریمه نیز همین موضوع را تأیید می کند چرا که پیامبر (ص) همانند حضرت ابراهیم (ع) هدایت از آسمان بر او نازل شد و به پیامبر (ص) خاتم انبیاء و پیامبران معروف شدند. سومین گروه کسانی بودند که به ایشان ایمان آوردند، یعنی کسانی که به پیامبر (ص) ایمان آوردند و از ایشان پیروی کردند. در این آیه به شأن پیامبر (ص) و اعتراف به این که ایشان نسبت به یهودیان اولی تر و نزدیک تر به حضرت ابراهیم اند نیز اشاره شده است چرا که ایشان حق را طلب کرده و دین خود را برای خداوند خالص کردند. ابن کثیر در تفسیر آیه فوق می گوید: «خداوند متعال فرموده اند شایسته ترین افراد به پیروی از ابراهیم خلیل کسانی هستند که از او در مذهبش پیروی کردند و منظور از این پیامبر، همان محمد (ص) است و کسانی که ایمان آوردند از مهاجرین و انصار و افرادی که بعد از اینها از پیامبر (ص) پیروی کردند» (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲/۴۹). ابن مسعود نیز به نقل از پیامبر (ص) آورده است: «برای هر پیامبری ولی از پیامبران وجود دارد و ولی من ابراهیم خلیل است و سپس این آیه را تلاوت فرمودند: اِنَّ اَوْلٰى النَّاسِ بِاِبْرٰهٖمَ لَلَّذِیْنَ اتَّبَعُوْهُ» (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲/۴۹-۵۰؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۲/۶۷۴؛ مراغی، بی تا: ۳/۱۸۲).

عبارات مذکور مواردی از پاسخ های قرآن کریم به استدلال های یهودیان درباره پیامبر (ص) حول حضرت ابراهیم (ع) و مذهبش بود. قرآن کریم آنها را به خاطر مجادله درباره حضرت ابراهیم (ع) سرزنش می کند چرا که تورات و انجیل بعد از زمان حضرت ابراهیم (ع) نازل شده اند و نیز آنها را به خاطر جدال درباره امری که نسبت به آن علم ندارند، می کوبد و ابراهیم (ع) را از آن چه آنها توصیف می کردند، نفی می کند و بیان می دارد شایسته ترین مردم به ایشان کسانی هستند که بر مذهب و آیین حضرت بوده و در رأس همه آنها محمد (ص) و پیروانش از مؤمنان هستند. این گونه قرآن کریم ادعاهای باطل اهل کتاب را درباره شأن حضرت ابراهیم با استدلال های الزام آور، برهان های

روشن و دلایل قاطع باطل می کند و می فرماید: «لِيَحِقَّ الْحَقُّ وَيُبْطَلَ الْبَاطِلُ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ» (انفال / ۸).

۳. مجادله یهودیان درباره نبوت عیسی (ع)

از جمله مسائلی که جدال درباره آن میان پیامبر (ص) و یهودیان شدت گرفت، نبوت و رسالت عیسی (ع) بود. در اسلام عقیده بر آن است که عیسی (ع) پیامبر و فرستاده خداوند است و مثل او این گونه در قرآن بیان شده است: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران / ۵۹) و این که مادرش از هر آن چه شرف را مخدوش کند، پاک و مطهر بوده است ((آل عمران / ۴۲).

یهودیان به این مسأله اعتقاد نداشتند و به نبوت حضرت عیسی (ع) معترف نبودند بلکه می گفتند حضرت از راهی غیر شرعی به دنیا آمده و مادرش زنی پاکدامن نبوده است. ابن جریر به نقل از ابن عباس بیان می دارد: گروهی از یهودیان نزد پیامبر آمدند که در میان آنها ابو یاسر بن أخطب، رافع بن ابي رافع، أزار بن ابي أزار و أشيع بود. آنها از پیامبر (ص) پرسیدند به کدام یک از پیامبران ایمان دارد؟ پیامبر (ص) پاسخ دادند: به خداوند و هر آن چه بر ما نازل کرده و آن چه بر ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، اسباط، موسی و عیسی نازل کرده و هر آن چه فرستادگان خداوند آورده اند ایمان دارم و بین هیچ کدام تفاوتی قائل نیستیم و ما به همه آنها ایمان داریم. هنگامی که نام حضرت عیسی (ع) را بردند، یهودیان درباره نبوت ایشان احتجاج کردند و گفتند: ما به آن چه تو ایمان داری، اعتقادی نداریم و بهره اهل دین را از دنیا و آخرت کمتر از شما نمی دانیم و مذهبی شرورتر از مذهب شما نیست. پس خداوند آیه ای در نكوهش یهودیان نازل فرمود. (مائده / ۵۹؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۸۹/۶).

در این آیه کریمه بزرگترین انواع لجاجت و ناسپاسی به یهود نسبت داده شده که به خاطر ایمان به پیامبران الهی موجبات خشم آنها فراهم می شد با وجود این که اعتقاد به پیامبران موجب قبول، رضایت و رحمت خداوند است. قابل ذکر است که در این آیه بلاغت قرآن کریم و انصاف قرآن به اهل کتاب مشهود است چرا که حکم فسق را به همه اهل کتاب تعمیم نمی دهد بلکه اکثر آنها را به فسوق متهم می نماید چرا که تعداد اندکی

از اهل کتاب از راه حق و ایمان تبعیت کردند. بدین گونه آیه کریمه قوم یهود را به خاطر کراهت دانستن ایمان به خدا و کتاب های آسمانی و پیامبران سرزنش می کند و بر یهودیان واجب است بر آن چه مومنان ایمان دارند، ایمان بیاورند و به نبوت حضرت عیسی (ع) شهادت دهند همان گونه که پیامبر اکرم (ص) و پیروانش از مسلمانان صادق شهادت دادند؛ اما یهودیان قومی هستند که درک نمی کنند (طنطاوی، ۱۴۲۰: ۱۶۳).

۴. جدال یهودیان درباره نسخ

از دیگر امور مورد مجادله پیامبر (ص) با یهودیان موضوع «نسخ» بود که برآیند و نتیجه مباحثه در این زمینه موجب فتنه و طعنه به شریعت اسلام شد. موضوع نسخ از جمله مسائل مهمی بود که مجادله درباره آن از گذشته تاکنون دائر است و قوم یهود آن را ابزاری برای طعنه زدن به شریعت اسلام در پیش گرفتند. یهودیان به شریعت اسلام و نبوت پیامبر (ص) در موضوع نسخ ایراد گرفتند و وجود ناسخ را دلیلی بر عدم وحی قرآن می دانستند.

یهودیان منکر این بودند که خداوند آیه ای را با آیه دیگر یا حکمی را با حکم دیگر نسخ کند. آنها می گفتند: آیا نمی بینید که محد (ص) اصحابش را به امری وامی دارد و سپس آنها را از آن باز می دارد و به کاری خلاف آن دستور می دهد. امروز حرفی می زند و فردا از آن باز می گردد. این در شأن پیامبران نیست و این قرآن جز کلام محمد (ص) نیست. او از خود سخن می گوید و گفته های او با هم تناقض دارد (طنطاوی، ۱۴۲۰: ۱۶۳).

قرآن کریم این شبهات یهودیان را درباره شریعت اسلام بدون پاسخ نگذاشت. خداوند آیاتی در این زمینه نازل فرمودند که گفته های یهودیان را رد می کرد تا ایمان مؤمنان افزایش یابد. از جمله آیات سوره بقره است که فرمودند: «هر حکمی را نسخ کنیم یا آن را به [دست] فراموشی بسپاریم بهتر از آن یا ماندش را می آوریم مگر ندانستی که خدا بر هر کاری تواناست؛ مگر ندانستی که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست و شما جز خدا سرور و یاوری ندارید؛ آیا می خواهید از پیامبر خود همان را بخواهید که قبلا از موسی خواسته شد و هر کس کفر را با ایمان عوض کند مسلما از راه درست گمراه شده است» (بقره / ۱۰۶-۱۰۸).

۵. مجادله یهودیان درباره تغییر قبله از بیت المقدس به مسجد الحرام شبهات یهودیان بعد از تحویل قبله

از جمله موارد مشهور مجادله بین پیامبر (ص) و یهودیان، مسأله تغییر قبله مسلمانان بود. پیامبر اکرم (ص) پس از هجرت به مدینه به امر الهی به سوی بیت المقدس نماز می خواند تا قلوب یهودیان را بدین گونه نرم کند چرا که بیت المقدس قبله یهودیان بود و این مسأله می توانست موجب وحدت مسلمانان و یهودیان شود. پیامبر (ص) و مسلمانان به خاطر نماز به بیت المقدس خوشحال بودند و آرزوی پیامبر (ص) این بود که دعوتش را پاسخ دهند و برای ورود به اسلام شتاب کنند؛ اما یهودیان کور و کرد شدند و بین مردم شایعه کردند که پیامبر (ص) از قبله آنها پیروی می کند و چه بسا به زودی از مذهب آنها نیز تبعیت کند و توجه مسلمانان را در نماز به بیت المقدس دلیلی به هدایت و درستی خود می دانستند. پیامبر (ص) از گفته های نابخردانه یهودیان متأثر شد و آرزوی حضرت این بود که قبله مسلمانان به کعبه تغییر یابد و به همین جهت به درگاه الهی بسیار تضرع و و نایش کردند (طبری، ۱۳۸۷: ۲/۴۱۵-۴۱۶؛ یعقوبی، بی تا: ۲/۴۲؛ رسولی محلاتی، ۱۳۷۵: ۱/۳۶۴-۳۶۵؛ طنطاوی، ۱۴۲۰: ۱۷۸).

سرانجام خداوند آرزوی پیامبرش را برآورده کرد و قبله ای را که دوست می داشت برای او انتخاب کرد. پس مسلمانان خوشحال شدند چرا که با تغییر قبله به سوی مسجد الحرام قلب هایشان نرم شد و آنجا مرکز تجمع، محل امن، آمال قلب ها و مرکز وحدت مسلمانان گشت و این تغییر قبله را با گوش های خود شنیدند و از خداوند و رسولش اطاعت کردند (طنطاوی، ۱۴۲۰: ۱۷۸).

یهودیان و هر آن کس که مانند یهود از شاکله ای مریض برخوردار بودند، شروع به استهزاء و تمسخر مسلمانان کردند و شبهاتی را در این زمینه بیان کردند تا افکار را گیج و مشوش کنند و در عقیده مسلمانان شک و تردید ایجاد نمایند. از جمله مواردی که مشرکان می گفتند این بود که: محمد (ص) در دین خود تحیر ایجاد کرده و نزدیک است به آیین ما باز گردد همان گونه که به قبله ما نماز می خواند. منافقان نیز می گفتند: بر مسلمانان چه پیش آمده که بر قبله ای نماز بخوانند و سپس آن را رها کنند؟ یهودیان می گفتند: ای

مسلمانان قبله اول یعنی بیت المقدس اگر بر حق بود شما آن را ترک کردید و اگر باطل بود پس عبادت های پیشین شما باطل است و اگر محمد (ص) نبی بر حق بود قبله انبیاء پیشین را ترک نمی کرد و آن را تغییر نمی داد و چیزی را امروز انجام نمی داد و فردا با آن مخالفت کند. هدف آنها از این گفته ها ایجاد شک و تردید در شریعت اسلام و رسالت پیامبر (ص) بود (مغنیه، ۱۴۲۴: ۱/ ۱۷۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱/ ۳۸۹؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۱/ ۱۷۶؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱/ ۲۲۳؛ طنطاوی، ۱۴۲۰: ۱۷۸).

پاسخ قرآن به شبهات یهودیان درباره تغییر قبله

قرآن کریم نقشه های آنها را برملا ساخت و مکر و حيله آنها را باطل نمود و پیامبر (ص) را از آن چه یهودیان می گفتند، آگاه کرد. ابتدا با تغییر قبله شروع کرد تا نفوس مسلمانان را مطمئن کند و قلوب آنها را برای پذیرش این امر بزرگ آماده کند. بر طبق آیات قرآن نسخ آیه ای توسط آیه دیگر به جهت خیر یا چیزی شبیه آن انجام می شود، چرا که خداوند بر انجام هر چیزی قادر است (بقره/ ۱۰۶).

سپس خداوند فرمودند: «شرق و غرب از آن خداست و به هر سمتی رو کنند خداوند همان جا است» (بقره/ ۱۱۵)

وانگهی به پیامبر (ص) خبر دادند که یهودیان و مسیحیان از ایشان راضی نمی شوند مگر از آیین آنها پیروی کند. اشاره به این که مصالحه فقط در صورتی انجام می شود که پیامبر (ص) به بیت المقدس توجه کند؛ اما استمرار در تبعیت قبله یهودیان با هدایت الهی عجین نشد (بقره/ ۱۲۰)

قرآن پس از سخن درباره بیت الحرام و بزرگی و کرامت آن بیان می کند که خداوند آن را به مثابه مکان و مرجعی برای حجاج قرار داده که از آنجا پراکنده می شوند و با گذشت سال ها از تمام نقاط به سوی آن حرکت می کنند و هر چه تعدادشان برای زیارت بیشتر شود، شوق آنها نیز افزایش می یابد. همچنین بیت الحرام را محل امن الهی تعیین نمود (بقره/ ۱۲۵).

آیات وارده درباره شأن مسجد الحرام همگی بیش از دستور تغییر قبله مسلمانان بود و این برای هر انسان عاقلی دلیل کافی است که خانه ای با این همه قداست شایسته است تا

قبله مسلمانان باشد؛ اما یهودیان و کسانی که در دل‌های آنها مرض بود، به سوی حق متمایل نشدند و اعراض آنها از دستور الهی خود دلیل بر عناد و عداوت آنها بود به همین جهت اگر کفر می‌گفتند جای تعجب نبود. در نتیجه شبهات یهودیان درباره تغییر قبله فایده‌ای نداشت چرا که خداوند نفوس و قلوب مسلمانان را مطمئن کرده بود و پیامبر (ص) را برای پاسخ دادن به شبهات یهود آماده کرده بود (طنطاوی، ۱۴۲۰: ۱۷۹).

۶. جدال یهودیان درباره حلال و حرام خداوند

از جمله شبهاتی که یهودیان مطرح نموده و درباره آن با پیامبر (ص) به مجادله پرداختند، مواردی بود که خداوند در قرآن کریم حرام یا حلال کرده بودند:

در سوره انعام آمده است: «و بر یهود حرام کردیم هر حیوان صاحب ناخنی را و از گاو و گوسفند پیه آن دو را جز آنچه بر پشت آنهاست یا بر چرب‌روده آنهاست یا به استخوانشان چسبیده باشد. به سبب ستمکاریشان اینچنین کیفرشان دادیم و ما راستگویانیم» (انعام / ۱۴۶).

یهودیان می‌گفتند ما اولین کسانی نبودیم که این غذاها بر ما حرام شد و این‌ها به خاطر ظلم و عقوبت بر ما حرام نشد، بلکه این غذاها بر حضرت ابراهیم (ع) و تمام انبیایی که قبل یا بعد از او آمدند، حرام شده بود (طنطاوی، ۱۴۲۰: ۱۹۲).

خداوند متعال در آیاتی از سوره آل عمران این شبهه یهود را پاسخ می‌دهد. در آیه نخست آمده که بنی اسرائیل آن چه را بر خود حرام کرده بودند، به پیروی از پدران و اجداد خود چنین کردند و این کار پیش از نزول تورات انجام شده بود و هنگامی که تورات بر یهود نازل شد، خداوند در آن برخی طعام‌ها را به جهت ظلم و عدول از حق بر آنها حرام نمود. سپس در ادامه آیه خداوند به پیامبر (ص) دستور می‌دهد که اگر یهود درباره آن چه ما به تو خبر داده‌ایم، مجادله کردند، بگو تورات را بیاورند و از آن بخوانند اگر راست می‌گویند. «همه طعام‌ها بر بنی اسرائیل حلال بود، مگر آنها که پیش از نزول تورات، اسرائیل بر خود حرام کرده بود. بگو: اگر راست می‌گویید تورات را بیاورید و بخوانید» (آل عمران / ۹۳).

در آیه بعد خداوند یهود را به دروغ‌گویی و عدول از راه حق و شریعت توصیف می‌

کند چرا که آنها از روی عمد دروغ می گفتند و بر دروغ گفتن اصرار می ورزیدند و سخن باطلی را به خدا نسبت می دادند و به همین جهت از گروه ستمکارانند: «از آن پس هر که بر خدا دروغ بزند از ستمکاران است» (آل عمران / ۹۴).

در آیه سوم باز به همان مسأله مهم تأکید می شود، این که حضرت ابراهیم (ع) از گروه مشرکان نبودند (بقره / ۱۳۵). اکنون که می بینید من در دعوت خود صادق و راستگویم، پس از آئین من که همان آئین پاک و بی آلایش ابراهیم (ع) است پیروی نمائید زیرا او «حنیف» بود یعنی از ادیان باطل متمایل بحق شده بود و در دستورات او حتی در مورد غذاهای پاک یک حکم انحرافی و تحریم بی دلیل وجود نداشت. او هرگز از مشرکان نبود و این که مشرکان عرب خود را بر آئین او می دانستند، کاملاً بی معنی است. از نکات مورد توجه در آیه فوق این است که خداوند یهود را به پیروی از آئین حضرت ابراهیم که همان آئین اسلام است، دعوت می کند چرا که محمد (ص) و پیروانش همان پیروان واقعی حضرت ابراهیم بودند.^۱ دیگر این که یهود را به شرک متهم می کند چرا که ابراهیم (ع) مشرک نبودند.^۲ «بگو: خدا راست می گوید. آئین حنیف ابراهیم را پیروی کنید و او از مشرکان نبود» (آل عمران / ۹۵).

۷. برتری و افضلیت بیت الحرام

این شبهه یهود هنگامی مطرح شد که قبله از بیت المقدس به مسجد الحرام تغییر یافت. یهودیان به پیامبر (ص) می گفتند: ای محمد (ص) بیت المقدس از خانه کعبه برتر است و شایسته تر آن است که بیت المقدس پرستش شود چرا که قبل از بیت الحرام بنا شده است و تمام انبیاء از فرزندان اسحاق آن را بزرگ داشته اند و به آن نماز خوانده اند و خداوند نیز به حضرت ابراهیم (ع) در نسل فرزندش اسحاق وعده خیر و برکت داده است. پس تو اگر پیرو او و راهش هستی باید هر آن چه را که ابراهیم (ع) بزرگ داشته، تو نیز بزرگ بداری و همیشه بر این وضعیت باشی بدون آن که قبله را به مسجد الحرام تغییر دهی که اگر چنین کنی، این کار تو به معنای مخالفت با قبله تمام انبیای پیش از تو

۱. فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا.

۲. وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ.

است (طنطاوی، ۱۴۲۰: ۱۹۳).

قرآن کریم مجادله و مباحثه یهود را درباره برتری بیت المقدس و سابقه زمانی ایجاد آن در قیاس با مسجد الحرام این گونه پاسخ می دهد که اولین خانه ای که بر روی زمین برای عبادت بندگان ایجاد شد، همان است که در مکه بنا شد: «نخستین خانه‌ای که برای مردم بنا شده همان است که در مکه است. خانه‌ای که جهانیان را سبب برکت و هدایت است» (آل عمران / ۹۶).

بدین گونه کذب گفته ها و ادعاهای یهود درباره این که مسجد الاقصی نخستین خانه پرستش بر روی زمین بوده و نیز این که تغییر قبله از مسجد الاقصی به مسجد الحرام به معنای مخالفت با قبله انبیای پیشین است، بار دیگر بر همگان ثابت شد.

نتیجه گیری

پس از شکل گیری حکومت اسلامی در مدینه گروه های متعددی در برابر پیامبر (ص) صف آرایی نمودند که از جلوه های بارز آن قوم یهود ساکن در مدینه و حوالی مدینه بودند. یهودیان به جهت داشتن کتاب آسمانی و اطلاع از پیامبر موعود به شبه جزیره مهاجرت کرده و شهر مدینه مأمّن و مسکن آنها قرار گرفت. یهودیان یکی از جریان های اعتقادی مدینه بودند و به همین جهت علاوه بر مقابله نظامی و سیاسی با پیامبر (ص)، تلاش می کردند از طریق مناظره و مباحثه کلامی در اصول اعتقادی و دینی در نبوت پیامبر (ص) و آیات الهی تشکیک نموده و ایمان مسلمانان را به اسلام و قرآن تضعیف کنند. یهودیان در اموری از قبیل توحید، نبوت پیامبر (ص)، رسالت عیسی مسیح، مسأله نسخ، تغییر قبله و ... با پیامبر (ص) به بحث و مجادله دینی پرداختند که خداوند ضمن آگاهی دادن پیامبر (ص) از نقشه های آنها، پاسخ مجادلات کلامی آنها را با شواهد و استدلال های عقلی و منطقی آیات قرآن پاسخ داد و به همین جهت اقدام های آنها نه تنها تأثیری در ایمان و عقیده مسلمانان در پی نداشت؛ بلکه موجب رسوایی یهود، برملا شدن نقشه های آنها و اثبات حقیقت رسالت پیامبر (ص) نزد همگان شد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۹)، *تفسیر القرآن العظیم*، مکتبه نزار مصطفی الباز، عربستان سعودی.
۳. ابن قتیبہ، عبدالله بن مسلم، (بی تا)، *غریب القرآن*، بی جا.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن منصور، (۱۴۱۹)، *تفسیر القرآن العظیم*، دارالکتب العلمیه، مشورات محمد علی بیضون، بیروت.
۵. ابن هشام، عبدالملک بن هشام حمیری معافری، (بی تا)، *السیره النبویه*، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم ایاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دارالمعرفه.
۶. ایاری، ابراهیم، (۱۴۰۵)، *الموسوعه القرآنیه*، ج ۹، موسسه سجل العرب، بی جا.
۷. بحرانی، سید هاشم، (۱۴۱۶)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، بنیاد بعثت، تهران.
۸. بغدادی، علاء الدین علی بن محمد، (۱۴۱۵)، *لباب التأویل فی معانی التنزیل*، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۹. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۸)، *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۰. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، (۱۳۶۳)، *تفسیر اثنا عشری*، انتشارات میقات، تهران.
۱۱. ذکاوتی قراگزلو، علیرضا، (۱۳۸۳)، *اسباب نزول*، نشر نی، تهران.
۱۲. رسولی محلاتی، سید هاشم، (۱۳۷۵)، *زندگانی محمد (ص)*، انتشارات کتابچی، تهران.
۱۳. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم، (۱۴۱۲)، *فی ظلال القرآن*، دارالشروق، بیروت.
۱۴. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷)، *تاریخ الرسل و الملوک*، دارالتراث، بیروت.
۱۵. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، دارالمعرفه، بیروت.
۱۶. طنطاوی، محمد سید، (۱۴۲۰)، *بنو اسرائیل فی القرآن و السنه*، دارالشروق، بیروت.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۸. عاملی، عباس، (۱۳۶۰)، *تفسیر عاملی*، انتشارات صدوق، تهران.
۱۹. فخر رازی، ابو عبد الله محمد بن عمر بن حسین، (۱۴۰۱)، *التفسیر الکبیر*، دار الفکر، بی جا.

۲۰. فیض کاشانی، ملا محسن، (۱۴۱۵)، *تفسیر الصافی*، انتشارات الصدر، تهران.
۲۱. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران.
۲۲. کاشانی، ملا فتح الله، (۱۳۳۶)، *تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*، کتابفروشی محمد حسن علمی، تهران.
۲۳. مراغی، احمد بن مصطفی، (بی تا)، *تفسیر المرائی*، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۲۴. مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴)، *تفسیر الکاشف*، دار الکتب الاسلامیه، تهران.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، *برگزیده تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۲۶. نیشابوری، أبو الحسن علی بن أحمد واحدی، (۱۴۱۱)، *اسباب النزول*، دار الکتب العلمیه، بی جا.
۲۷. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر، (بی تا)، *تاریخ یعقوبی*، دار صادر، بیروت.